

عامل توان نظامی در تأمین منافع روسیه در صحنه بین‌المللی

ایگور ایوانف^۱

حضور نظامی روسها، عامل مقابله با نیروهای تندرو مذهبی و سیاسی در قفقاز و آسیای مرکزی است. مهم این است که خود زندگی و موقعیتهای بحرانی جدید به شرکای روسیه در جامعه مشترک المنافع نشان می‌دهند که همکاری با روسیه و حفظ شبکه پایگاههای نظامی روسی، عامل مهم امنیت این کشورها است. بعد از تشدید وخامت اوضاع افغانستان، شرکای آسیایی روسیه به این واقعیت پی بردند. جلسه شورای وزیران دفاع کشورهای جامعه مشترک المنافع در عشق‌آباد نشان داد که این کشورها جدیداً به وجود پایگاههای نظامی روسی در خاک خود علاقه بیشتری از خود نشان دادند.

عامل توان نظامی در تأمین منافع روسیه در صحنه بین‌المللی نقش مهمی را ایفا کرده و خواهد کرد. هیچ‌کدام از مسائل مهم سیاست خارجی روسیه بدون وجود نیروهای مسلح مجهز کشور حل‌شدنی نیست. مسائل اساسی روسیه در صحنه بین‌المللی به قرار ذیل هستند:

۱. حفظ ثبات استراتژیک از طریق حفظ و تحکیم نقش روسیه به عنوان یکی از مراکز مهم توان اقتصادی و نظامی در جهان چندقطبی که بتدریج ایجاد می‌شود. گرایش ایجاد چنین جهانی مشخص شده است. از هم پاشیدگی سیستم دوقطبی دوران جنگ سرد، ایجاد هسته همگرایی اروپای غربی و رشد سریع اقتصادی جمهوری خلق چین و برخی از کشورهای دیگر آسیا و آمریکای لاتین از وجود این گرایش حکایت می‌کند. در این شرایط اکثریت کشورهای دیگر حاضر نیستند با طرح جهان تکقطبی موافقت کنند و نمی‌خواهند با راه‌حلهای یک‌طرفه مسائل بین‌المللی موافقت نمایند. تصمیمات اخیر شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره خاورمیانه و افغانستان بر این واقعیت گواهی دارند. اما برای تحکیم مبانی

۱. ایگور ایوانف، معاون اول وزیر امور خارجه روسیه است.

جهان چندقطبی، اقتصاد مؤثر و توان نظامی، بویژه توان قابل توجه هسته‌ای روسیه لازم است. به همین دلیل بازسازی و اصلاح نیروهای مسلح روسیه اهمیت نه تنها دفاعی بلکه سیاسی بین‌المللی دارد؛

۲. تحکیم ثبات منطقه‌ای و جلوگیری از وقوع مناقشات مسلحانه، بویژه در نزدیکی مرزهای روسیه. در این زمینه نیروهای مجهز متحرک و نیرومند چندمنظوره لازم است که بتواند تجاوز به روسیه و شرکای آن در جامعه مشترک‌المنافع را دفع کند و در عملیات صلح در چارچوب جامعه مشترک‌المنافع و طبق اعتبارنامه سازمان ملل متحد شرکت کند؛

۳. ایجاد اتحادیه همگرایانه براساس جامعه مشترک‌المنافع، هدف حائز اولویت سیاست خارجی روسیه است. توسعه همکاری دوجانبه و چندجانبه نظامی - سیاسی وسیله مهم نیل به این هدف است. نیروهای مسلح روسیه باید «ژنراتور» روند همگرایی نظامی - سیاسی و نیروی محرکه اصلی اجرای پیمان تاشکند درباره امنیت دسته‌جمعی شوند؛

۴. ایجاد مدل جدید امنیت اروپایی که در آن منافع روسیه به‌طور شایسته تأمین شود و خود روسیه نقش مناسب یکی از پایه‌های اساسی ثبات در اروپا را ایفا کند؛

۵. شرایط توسعه اقتصاد کشورمان، حمایت از منافع روسی در منطقه اقتصادی ملی، دریا‌های ساحلی و اقیانوس جهانی را ایجاب می‌کند.

ما مجبوریم این مسائل را در جو متضاد بین‌المللی حل کنیم که در آن هم عوامل مناسب برای روسیه وجود دارند و هم عوامل ریسک و خطر.

در میان روندهای مثبت برای کشورمان باید به کاهش قابل توجه خطر رویارویی مسلحانه با ایالات متحده آمریکا و متحدانش و نیز با جمهوری خلق چین اشاره کرد. این نتیجه چرخش مهم سیاست خارجی روسیه به همکاری و مشارکت با مخالفان سابق در دوران جنگ سرد است. هرچند که برقراری این مشارکت به‌طور نابرابر صورت می‌گیرد، باید برای ماحصل این روند ارزش قابل شد و بدون غلتیدن به گرداب رویارویی از منافع کشورمان دفاع نمود.

بعد از پایان جنگ سرد اهمیت عوامل غیرنظامی امنیت از جمله اقتصادی و علمی - فنی و غیره، به سرعت رشد می‌کند. این امر به‌طور عینی موجبات غیرنظامی کردن مناسبات بین‌المللی و کاهش بار هزینه‌های نظامی را فراهم می‌کند. این گرایش تماماً جوابگوی منافع روسیه است که اکنون امکانات خود را جهت پیشبرد اصلاحات اقتصادی و حمایت مؤثرتر اجتماعی از مردم بسیج می‌کند.

بعد از پایان مرحله رویارویی بلوکی، عرصه منافع مشترک روسیه و کشورهای اصلی جهان در زمینه جنبه‌های مختلف امنیت بین‌المللی رشد کرده است، از جمله در زمینه عدم اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، جلوگیری از مناقشات جدید منطقه‌ای، مقابله با تروریسم بین‌المللی و عملیات صلح.

اما در کنار گرایشهای مثبت مذکور در مناسبات بین‌المللی، گرایشهای منفی هم وجود دارند. در اینجا به اصلی‌ترین آنها اشاره می‌شود. موقعیت ژئوپلیتیکی روسیه از زمان اتحاد شوروی بدتر شده است. علت این امر بر کسی پوشیده نیست. هرچند که تحولات منفی در موقعیت ژئوپلیتیکی کشورمان در شرایط کاهش خطر بروز جنگ جهانی هسته‌ای رخ داد، این امر همیشه بر امنیت روسیه تأثیر خواهد گذاشت. این عامل را باید در همهٔ اعمال ما در نظر گرفت.

نیروهای بانفوذ سیاسی برخی از کشورهای غربی کماکان می‌خواهند نقش روسیه را در جهان محدود کنند و این کشور را به قدرت منطقه‌ای تبدیل کنند. به همین دلیل به تضعیف منافع روسیه نه تنها در بالکان، خاورمیانه و حوزهٔ خلیج فارس بلکه در فضای شوروی سابق، بویژه در قفقاز و آسیای مرکزی دعوت می‌کنند. ما با مقابله با همگرایی نظامی - سیاسی در چارچوب جامعهٔ مشترک‌المنافع نیز مواجه می‌شویم.

ایالات متحده و سایر اعضای پیمان ناتو به تکمیل کیفی اسلحهٔ خود ادامه می‌دهند. به این ترتیب خطر اقت ارزش توان نظامی روسیه بویژه در عرصهٔ استراتژیک ایجاد می‌شود. اشاعهٔ اسلحهٔ هسته‌ای و وسایل حمل‌کنندهٔ آن در جهان خطر بالقوه‌ای را ایجاد می‌کند. اکثریت کشورهای آسیایی که می‌توانند صاحب این اسلحه شوند، در نزدیکی مرزهای روسیه واقع شده‌اند. به همین دلیل تشدید مناقشات مسلحانه با شرکت این کشورها می‌تواند برای روسیه خطرناک باشد. غیراز آن، اشاعهٔ سلاحهای هسته‌ای به‌طور غیرقابل احتراز اقدامات متقابل ایالات متحده را تحریک خواهد کرد. در نتیجه، سطح عمومی تشنجات نظامی - سیاسی در نزدیکی مرزهای روسیه رشد خواهد کرد.

باتوجه به این شرایط و اوضاع بین‌المللی، روسیه به سیاست فعالانهٔ تأمین امنیت ملی نیاز دارد، قبل از همه در اروپا. در این منطقه، توسعهٔ ناتو مسئلهٔ کلیدی می‌باشد.

روسیه مصرانه با پذیرش کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به عضویت ناتو و با حرکت زیربنای نظامی ناتو به شرق مخالفت می‌کند. توسعهٔ ناتو مرز جدید را در اروپا ایجاد خواهد کرد و عامل بی‌ثباتی استراتژیک در این قاره را به وجود خواهد آورد. این امر ما را به اصلاح برنامه‌های رفرم نظامی و ادار خواهد کرد که موجب هزینه‌های مکمل خواهد شد.

اما باید واقعگرایانه با این وضع برخورد کرد. کشورهای گروه ویشه‌گراد می‌خواهند عضو ناتو شوند، آن هم بیشتر به دلایل سیاسی تا امنیتی. مدت پذیرش اعضای جدید، آوریل سال ۱۹۹۹، توسط خود اعضای این پیمان تعیین شده است. در اواسط سال آینده در گردهمایی این پیمان نامزدهای مشخص ذکر خواهند شد.

روسیه از حق وتوی این روند برخوردار نیست. ولی ما از وسایل قابل توجه نفوذ در مسائل امنیت اروپا برخورداریم. اکنون ما سعی می‌کنیم از این وسایل استفاده کنیم تا مشکلات روسیه بر اثر توسعهٔ احتمالی ناتو کاهش یابد.

اولاً، ما می‌خواهیم ضمانتهای مادی دریافت کنیم که ناتو در هیچ صورت در مرکز اروپا توان تهاجمی نظامی که بتواند روسیه را تهدید کند، متمرکز نکند. در این شرایط اصلاح قرارداد نیروها و تسلیحات متعارف در اروپا برای ما اهمیت خاصی پیدا می‌کند. اما ابعداد گفت‌وگو با شرکای غربی در این مورد هنوز مناسب به نظر نمی‌رسد.

در جواب به پیشنهادهای مفصل روسی، اعضای ناتو تنها ۶ ماه بعد نظرات خود را بیان کردند که مخصوص مذاکرات بعد از جلسهٔ سازمان امنیت و همکاری در اروپا در لیسبن بود. آنها اعتقاد داشتند که در لیسبن می‌بایست فقط شرایط عمومی مذاکرات دربارهٔ تطبیق این پیمان را هماهنگ کرد. ولی ما اصرار کردیم که در لیسبن توافقهایی مشخص به صورت توافق چارچوبی تصویب شود. توافقهایی که در عمل تحکیم ثبات و امنیت برابر را تضمین کنند و ثبت شوند، از جمله:

- تحدید توان نظامی همهٔ پیمانهای نظامی - سیاسی از طریق جمع شاخصهای کمی؛
- امتناع از استقرار نیروهای خارجی در جایی که اکنون این نیروها مستقر نیستند؛
- عدم تجاوز از سطح تسلیحات متعارف کشورهای عضو قرار داد که در ۱۷ نوامبر ۱۹۹۵ وجود دارد؛

- محدود کردن انواع جدید اسلحه، از جمله وسایل هوایی.

برای روسیه این نکته نیز مهم بود که در لیسبن توافق دربارهٔ مدت مشخص مذاکرات دربارهٔ تطبیق قرارداد مذکور (فرضاً، ۱/۵ سال) حاصل شود. ما می‌خواهیم که در این مدت همهٔ کشورهای عضو قرارداد در افزایش تسلیحات خود خویشتن‌داری به خرج دهند و از ادامهٔ استقرار نیروهای خود در اراضی خارجی خودداری نمایند.

امیدوار بودیم که طرفهای مذاکرات عقل سلیم از خود نشان داده و مواضع روسیه را اصولاً تأیید کنند. در غیر این صورت، ما باید برای استفاده از اهرمهای دیگر نظامی - سیاسی و دیپلماتیک آماده باشیم تا صدای روسیه بالاخره شنیده شود. ضمن اشاره به قرارداد نمی‌توان مسئلهٔ محدودیتهای جناحی را ذکر نکرد. در سال گذشته توافق دربارهٔ حل این مسئله به دست آمد. این توافق به روسیه اجازه می‌دهد که طی ۳ ماه در نواحی جناحی همان سطح نیروها را نگهدارد که تا اوایل سال ۱۹۹۶ وجود داشت. ما در آیندهٔ دورتر خواهیم توانست مقادیر اسلحهٔ خود را با سطح نیازهای خود تطبیق کنیم؛ ولی باید به این منظور با کشورهای مشترک‌المنافع به نحو مطلوب همکاری کنیم.

ثانیاً، مذاکرات با کشورهای ناتو دربارهٔ امکان انعقاد منشور مناسبات بین روسیه و ناتو جریان دارد. هدف ما، انعقاد قراردادی است که مبانی مناسبات متقابل را مشخص کرده و تعهدات مشخص متقابل در زمینهٔ امنیت و نیز مکانیزم مشورتها و اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها را روشن کند. روسیه سند توخالی را قبول نخواهد کرد. یک سند جدی و پرمحتوا لازم است. ما از روی جدیت برخورد اعضای ناتو با نگرانی‌های ما در زمینهٔ تطبیق قرارداد نیروها و

تسلیمات متعارف در اروپا دربارهٔ مصلحت امضای این سند قضاوت خواهیم کرد. ثالثاً، ما با استفاده از روابط خود با برخی از اعضای پیمان ناتو و قبل از همه فرانسه و نیز دیالوگ «۱+۱۶»، سعی می‌کنیم تکامل ناتو را در جهت مناسب برای روسیه جهت دهیم. معیار اصلی، میزان امتناع پیمان ناتو از وظایف قدیمی بازدارندگی و روی آوردن آن به وظایف جدید برقراری مشارکت و صلح در اروپا است.

این اهداف مشخص در چارچوب عمومی ایجاد مدل جدید امنیت همه‌جانبه در اروپا قرار می‌گیرند. چنین مدلی باید بر همهٔ سازمانهای بین‌المللی امنیت اروپا تکیه کند که سازمان امنیت و همکاری در اروپا باید نقش کلیدی را ایفا کند. باید توان و امکانات عملی این سازمان را تحکیم کرد. البته، سیستم آتی امنیت، تنظیم اصولاً جدید قراردادی را هم ایجاب می‌کند. این اصول کلیدی در تصمیمات گردهمایی لیسبن تا حدودی منعکس شدند و اینکه در این جلسه، جهات اساسی کار روی مدل امنیت اروپا طی ۲ سال آینده تعیین گشتند.

مسئلهٔ قابل توجه دیگری که دیپلماسی روسی همراه با نظامیان حل می‌کند، حفظ و تحکیم مبانی ثبات استراتژیک است. ارتباط متقابل بین تحدید سیستم پدافند ضد موشکی و کاهش تسلیمات استراتژیک تهاجمی اساس آن را تشکیل می‌دهد. در صورت عدم رعایت قرارداد پدافند ضد موشکی و مسدود نکردن راههای اجتناب از اجرای آن، کاهش تسلیمات استراتژیک تهاجمی نیز غیرممکن خواهد شد. به همین دلیل گرایش فزاینده در ایالات متحده به ایجاد سیستم پدافند ضد موشکی کشور که قرارداد آن را ممنوع کرد، موجب نگرانی ما می‌شود.

در این شرایط روسیه به‌طور پیگیرانه بر وابستگی متقابل بین رعایت قرارداد پدافند ضد موشکی و قراردادها دربارهٔ تسلیمات استراتژیک تهاجمی تأکید می‌کند. رعایت قرارداد پدافند ضد موشکی، شرط اصلی کاهش تسلیمات استراتژیک تهاجمی اعلام شده است. توافق دربارهٔ تفکیک پدافند ضد موشکی استراتژیک و غیراستراتژیک، اقدام مهمی در جهت حفظ این قرارداد خواهد بود.

اکنون مذاکرات در این مورد، وضعیت دشواری ایجاد شده است. روسیه مجبور شد از امضای توافقات آماده شدهٔ مرحلهٔ اول دربارهٔ تفکیک سیستمهای سرعت پایین پدافند استراتژیک ضد موشکی خودداری کند. علتش این بود که آمریکایی‌ها پیش‌نویس «توخالی» توافق دربارهٔ مرحلهٔ دوم را پیشنهاد کردند که در آن تفکیک قطعی تأمین نمی‌شود. بعید نیست که ایالات متحده می‌خواهد از این طریق رسیدن به توافقات مرحلهٔ دوم را به تعویق اندازد و مذاکرات دربارهٔ سیستمهای سرعت بالای پدافند غیراستراتژیک ضد موشکی را به بن‌بست برساند که از همه خطرناک‌تر محسوب می‌شود.

به همین دلیل ما با قاطعیت تمام تأکید می‌کنیم که توافقات دربارهٔ هر دو مرحله باید همزمان به موقع اجرا گذارده شوند. تنها در این صورت شرایط برای طراحی توافقات کارآمد

در زمینه تفکیک سیستمهای ضد موشکی استراتژیک و غیراستراتژیک فراهم خواهد شد. روسیه قصد دارد در آینده نیز برای نیل به این توافق کار کند. در اینجا بیانیه مشترک رؤسای جمهوری روسیه و ایالات متحده درباره پدافند ضد موشکی مورخ ۱۰ مه ۱۹۹۵ و توافق ماه آوریل بوریس یلتسین و بیل کلینتون درباره لزوم پایان دادن هرچه زودتر به کار روی تفکیک پدافند ضد موشکی استراتژیک و غیراستراتژیک به نفع ما می باشد.

یک جهت گیری مهم دیگر فعالیت مشترک وزارت امور خارجه و وزارت دفاع، مساعدت به همگرایی نظامی - سیاسی در چارچوب جامعه مشترک المنافع است. در اینجا سیاست پایه ای ما باید نقش اساسی خود را ایفا کند که اصول آن عبارت است از: داوطلبی، خصلت صرفاً دفاعی حضور نظامی روسی، استفاده از پایگاههای ما برای تأمین منافع استراتژیک روسیه و کشور اقامت، مطابقت وضع حقوقی پایگاهها و پرسنل آنها با موازین حقوق بین المللی، از جمله در رابطه با حمایت حقوقی از شهروندان روسیه.

در کشورهای جامعه مشترک المنافع مجموعاً قریب به ۳۰ پایگاه، تأسیسات جداگانه نظامی و میدان آزمایشی نیروهای مسلح روسیه قرار دارند. حفظ این شبکه نه تنها جوایبگوی منافع نظامی - استراتژیک ما در زمینه پدافند ضد هوایی، اخطار از حمله موشکی و تأمین ثبات منطقه ای است؛ بلکه وسیله مهم سیاست خارجی می باشد.

حضور نظامی روسی، عامل مقابله با نیروهای تندرو مذهبی و سیاسی در قفقاز و آسیای مرکزی است. مهم این است که خود زندگی و موقعیتهای بحرانی جدید به شرکای روسیه در جامعه مشترک المنافع نشان می دهند که همکاری با روسیه و حفظ شبکه پایگاههای نظامی روسی، عامل مهم امنیت این کشورها است. بعد از تشدید وخامت اوضاع افغانستان، شرکای آسیایی روسیه به این واقعیت پی بردند. جلسه شورای وزیران دفاع کشورهای جامعه مشترک المنافع در عشق آباد نشان داد که این کشورها جدیداً به وجود پایگاههای نظامی روسی در خاک خود علاقه بیشتری از خود نشان دادند.

و بالاخره، یکی از اهداف حائز اولویت عمومی دیپلماسی و نظامیان روس، تأمین شرکت تمام عیار و مؤثر کشورها در عملیات بین المللی صلح است. نیروهای مسلح روسیه از تجربه گسترده شرکت در عملیات صلح تحت سرپرستی جامعه مشترک المنافع و سازمان ملل متحد برخوردار شده اند. در مجموع، سهم روسیه در کوششهای معطوف به برقراری صلح، حدود ۲۰ هزار نفر در واحدهای برقراری صلح در ۵ منطقه جهان و ناظران نظامی در چارچوب نمایندگی های سازمان ملل متحد در ۱۰ منطقه مناقشه زده است. فعالیت آنها که اغلب با خطر جانی توأم است، بر اعتبار روسیه در جهان می افزاید و مواضع کشور روسیه را در عرصه سیاست خارجی تحکیم می کند.